

اسلام و حجاب

از سلسله گفتارهای رادیویی "صدای سربداران" 1368-1370)

غالباً چنین تصور می‌شود که آداب و سنن و همچنین شعائر و قوانین اسلامی، مستقلاً توسط بنیانگذاران و رهبران صدر اسلام وضع گردیده. بسیاری نیز با اینکه اعتقادی به خرافات مذهبی ندارند برخی شعائر و قوانین مذهبی را مفید بحال جامعه می‌شمارند. حجاب یکی از مهمترین این شعائر است. از یاد نبرده ایم زمانی که مزدوران و اوباشان حزب الله شعار "بی حجابی زن از بی غیرتی مرد اوست" را سر می‌دادند، چگونه با این شعار برده دارانه بر اینگونه ادراکات رایج و ارتجاعی خصوصاً در بین مردان اتکاء می‌کردند. مشاهده اسناد و شواهد تاریخی نشان میدهد که بسیاری از اینگونه شعائر و قوانین بطور مستقیم متأثر از شرایط جامعه و سایر ادیان بوجود آمده‌اند، و نه از توهمی بنام چشمه فی اض و نوربخش الهی. بعنوان مثال بسیاری از آداب و سنن و مناسک اسلامی متأثر از عیسویت، یهودیت، زرتشتیگری و حتی جاهلیت اعراب 14 قرن پیش است. مثلاً روزه از مذهب یهود و از مجرای عادات اعراب به اسلام آمده. در آن دوران اعراب، پیش از اسلام روز دهم محرم را روزه می‌گرفتند. پس از هجرت به مدینه ده روز اول محرم را روزه می‌گرفتند. و پس از آنکه مسلمانان خرج خود را از یهودیان جدا کردند ماه رمضان به ماه روزه گرفتن اختصاص یافت. حج تحقیقاً برای تأیید و تثبیت عادات قومی عرب مقرر شده است. عاداتی که بعثت رونق کسب و کار و تجارت سران قریش و دیگر قبایل عرب رواج یافته بود. چرا که بعثت وجود بتخانه بزرگ کعبه و هجوم زوار، مکه به یک مرکز تجاری بزرگ اعراب تبدیل شده بود، و تبلیغات علیع بت پرستس از جانب محمد خطر لطمه وارد ساختن به کسب و کار برده داران و تجار بزرگ عرب و در نتیجه عدم برخورداری وی از حمایت آنان را بهمراه داشت. بهمین دلیل سنت حج که پیش از اسلام و در میان اعراب بت پرست نیز وجود داشت، ابقاء گردید. تمام مناسک حج، عمره، احرام، لمس حجرالاسود یا سنگ سیاه، "سعی" یعنی باشتاب راه رفتن میان دو نقطه صفا و مروه، وقفه در عرفات، رمی جمره یا سنگباران شیطان، همگی در دوره جاهلیت متداول بود و در اسلام تنها با برخی تعدیلات مواجه شد. حتی بریدن دست راست دزد نیز پیش از اسلام متداول بود. همچنین انواع غسل، و منع ازدواج با برخی نزدیکان. شباهت مقام معنوی دختر زرتشت "پوروچیستا" با فاطمه دختر پیغمبر، شباهت اهمیت پنج نماز روزانه در اسلام و زرتشتیگری، اعتقاد به روز محشر و پل صراط - همان پلی که بهنگام عبور از آن در آخرت کافران و زیانکاران به قعر جهنم سقوط می‌کنند و مومنان به بهشت راه خواهند یافت - اعتقاد به ملائک مقرب، و همچنین باور به ظهور مهدی همه از مشترکات این دو مذهب است. قابل ذکر است که حتی خود قرآن که کتابی بزبان عربی فصیح بوده و به نسبت زیاد از کلمات غیرعربی برخوردار می‌باشد، حدود 30 کلمه فارسی در آن وجود دارد. تاریخچه حجاب نیز از این قاعده مستثنی نیست. ویل دورانت، مورخ سرشناس در کتاب تاریخ تمدن خود می‌نویسد: "در زمان زرتشت زنان منزلتی عالی داشتند، در کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می‌کردند." اما با گذشت زمان و تحولات حاصله در ایران آن دوره، اوضاع تغییر مییابد. در اوایل حکومت هخامنشیان چهار طبقه اصلی در ایران وجود داشت: بردگان، بزرگان، فرمانروایان ولایت (یعنی مامورین دولتی) و درباریان. غیر از سیل عظیم و روزافزون بردگان که بدون مزد فقط بیگاری می‌کردند، دهقانان نیز مالیات می‌پرداختند، بیگاری می‌کردند، و بصورت آزاد نیز زندگی می‌کردند. با وجود اینکه این مالیات و بیگاری کمر دهقانان را خرد می‌کرد ولی آنها بهرحال جزء دهقانان آزاد محسوب می‌شدند. فشار طاقت فرسای کار و تولید، زنان زحمتکش را نیز به پروسه

تولید می‌کشاند و این امر خود به آزادی زنان روستا نسبت به زنان شهری و درباری کمک می‌کرد. ولی مامورین دولت، دولتی که هر روز در اثر جهان‌گشای قدرتمندتر میشد و بدین جهت مامورین آن نیز جابرا نه‌تر عمل می‌کردند، با چشمانی حریص بدنبال زیباترین زنان و دختران جهت ارائه و هدیه به شاه، درباریان، حکام و سوءاستفاده شخصی، می‌گشتند. به اینجهت مرد که در این جامعه صاحب و مالک خانه و مالک زن و فرزندان خود بود، جهت جلوگیری از غارت زنان و دختران خود چاره‌ای جز پوشاندن و مخفی کردن آنها از نظر مامورین دولتی نداشت. پوشاندن زن و دست و پاگیر بودن آن در پروسه تولید و کارخانه، حجابی متناسب با کار را برای زنان که عبارت از شلوار بلند چین دار، روسرس و شالی در کمر بود، ایجاب می‌کرد. بدین ترتیب میل به عیش و عشرت شاهان، برده داران و فنودالها از یکسو، و حکومت مردان در خانه بتدریج نقش زن در اقتصاد در اقتصاد و سیاست و علم و هنر و فرهنگ، و به یک کلام به حاشیه راندن زنان در جامعه را شدت بخشید.

زنان در شهرها بر خلاف زنان روستاها، اساساً در کار تولید اجتماعی شرکت نداشتند. به اینجهت تنها فعالیت مهم آنها انجام کارهای خانه، خدمتگزاری مردان و زائیدن و بزرگ کردن فرزندان بود. این تقسیم کار اجتماعی بعنوان زیربنای که در نهایت مردان را سرور و حاکم، چه در سطح جامعه و چه در عرصه خانواده تعیین می‌نمود، رفته رفته موقعیت زن بمتابجه موجود درجه دوم و در خدمت مردان را تثبیت کرد.

البته این تقسیم کار تاریخی بسیار پیشتر از اینها آغاز و تثبیت شده بود، اما آنچه در اینجا بیان می‌شود، اسناد تاریخی معتبر مربوط به آن دوره از حیات جامعه ایران است.

هردوت، مورخ معروف یونانی، درباره طبقه اشراف عهد هخامنشی می‌نویسد: "هرکدام از آنها چند زن عقدی داشتند ولی عده زنان غیرعقدی آنان بیشتر بود. وجود مامورین بسیار در شهرها، بویژه زنان زحمتکش را در خطر ربوده شدن و تجاوز قرار می‌داد. به این جهت در شهرهای ایران حجاب اهمیت بیشتری را نسبت به روستا کسب می‌کرده و با شدت بیشتری رعایت می‌شد".

پس از حمله اسکندر و گسترش فرهنگ یونانی در قلمرو وسیع او در ایران، قدری از محدودیت زنان در زمینه‌های مختلف بویژه مسئله حجاب کاسته شد. این امر در مناطقی که یونانی‌ها در جوار سکنه بومی زندگی می‌کردند و یا با سکنه بومی در نتیجه ازدواج مخلوط شده بودند، بروشنی دیده می‌شود.

از اسناد و شواهد تاریخی چنین برمی‌آید که در زمان اشکانیان نیز تعدد زوجات معمول بوده. مرد می‌توانست فقط یک زن عقدی و تعداد زیادی زنان غیرعقدی داشته باشد. با توجه به این واقعیت می‌بینیم که با ظهور اسلام و حمله مسلمانان به ایران در زمان عمر، و مشروع بودن داشتن چهار زن عقدی در قرآن، بر ابعاد محرومیت و تعدی به حقوق زن در ایران افزوده شد. البته ناگفته نماند که بسته به اینکه قدرت اقتصادی مردان طبقه اشراف و درباریان و همچنین میزان نفوذ سیاسی آنان در جامعه چقدر بوده، ابعاد تسلط آنان بر شئون اجتماعی نیز متغیر بوده. بعنوان مثال، خسرو یکی از شاهان ساسانی حرمسرای مشتمل بر 3000 زن داشت، و هر زمان که وی میل تجدید حرم می‌کرد، نامه‌ای به فرمانروایان اطراف می‌فرستاد و در آن وصف زنان مورد دلخواه خود را برمیشمرد. پیرو چنین نامه‌هایی مامورین او در هر کجا زنی را که با مشخصات توصیف شده تطابق می‌کرد، به دربار می‌بردند.

کشورگشائی‌های مکرر در دوره ساسانیان و افزایش تعداد بردگان یکی از دلایل رشد تعدیات وحشیانه به حقوق زنان در این دوره می‌باشد. چرا که در اثر این کشورگشائی‌ها و افزایش ثروت طبقات حاکم و عدم برخورداری زنان از استقلال اقتصادی، بر توان مالی و نفوذ مردان در جامعه افزوده گشت. بارتلو مه‌ی از شرق شناسان معروف در مورد

تعدد زوجات در دوره ساسانیان چنین می نویسد: "تعدد زوجات در امپراتوری ساسانی همانند امروزه کشورهای اسلامی بوده است. در عمل تمایل مرد، مخصوصاً موقعیت مالی او بود که تعداد زنان را معین می کرد. يك مرد معمولی باید به يك زن قناعت کند، در حالیکه مرد ثروتمند و اشرافی می توانست با تعداد زیادی از زنان ازدواج نماید. گزارشات یونانی حتی از صدها زن در این رابطه صحبت می کنند".

بنابراین می بینیم که ایدئولوژی اسلامی اگر حق و حقوق بیشتری در خصوص تعدد زوجات به مردان اعطاء نکرده باشد، حقوق کمتری نسبت به آنچه که شاهان و اشراف ایرانی قبل از اسلام برای مردان قائل بودند، در نظر نگرفته است.